

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال دوازدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۷
صفحه ۳ تا ۲۴

آسیب‌شناسی روشنفکری در ایران از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای

حسن مجیدی / دانشیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، Majidi118@gmail.com

محمدباقر باباهادی / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، babahadi@isu.ac.ir

رضا فیضی / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، rezafeizi@isu.ac.ir

چکیده

روشنفکری در ایران معاصر از جمله جریان‌های فکری تاثیرگذاری است که به دلیل افزایش تماس جامعه ایرانی با تجدد، و نقش و رویکرد روشنفکران در قبال آن، بحث‌ها و مجادلاتی را برانگیخته است. اما شناخت و درک نوع تلقی و استنباط رهبر ج.ا.ایران که سال‌ها از نزدیک در تماس با این جریان فکری و برخی از نمایندگان آن بوده است، در شناخت نقاط آسیب و برخی نارسایی‌های این طیف فکری حایز اهمیت است. این مقاله به دنبال بررسی بیانات مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) و آسیب‌شناسی روشنفکری در ایران از منظر ایشان است. برای رسیدن به این مهم از روش تحلیل مضمون با کمک نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. از این نظر مدل مفهومی خروجی این مقاله است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد در اندیشه رهبر معظم انقلاب روشنفکری در ایران بیمارگونه متولد شده است و در بعد عملکردی، مذشی (شامل دو بُعد شخصیتی و رفتاری) و بینشی (شامل دو بُعد نسبت با غرب و نسبت با دین) دارای آسیب‌هایی بوده است. از نظر ایشان روشنفکر حقیقی کسی است که پیشرفت و تحول را از هر طریقی نمی‌پذیرد؛ بلکه آن نوع از برنامه برای تحول و پیشرفت را پذیراست که مطابق منافع ملی، ساختار فکری و فرهنگی و ارزشی جامعه باشد.

کلیدواژه: آیت‌الله خامنه‌ای، روشنفکری، ایران، آسیب‌شناسی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۱/۳۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

مقدمه

واژه روشنفکری معنای ضمنی خلاق بودن و نقاد بودن را در بردارد، البته اصطلاح روشنفکر در قرون وسطی به وجود آمد و به تدریج در دانشگاه‌های اروپا گسترش یافت. روشنفکری در غرب جریانی است که نطفه‌اش در رنسانس بسته شد. برتراند راسل، مشخصات عمومی رنسانس را چنین بیان می‌کند: «آن دوره از تاریخ که عموماً «جدید» نامیده می‌شود، دارای جهان‌بینی فکری خاصی است که از جهات بسیاری با قرون وسطی تفاوت دارد. در این تفاوت‌ها دو وجه مهم‌تر از بقیه است: کاسته شدن از قدرت کلیسا و افزایش یافتن قدرت علم و دانش» (راسل، ۱۳۷۳: ج ۲، ۶۸۱). قدرت علم و دانش که در رنسانس حاصل شد، سبب قدرت گرفتن اندیشمندان و روشنفکران غربی شد. این روشنفکران با نقد وضع موجود و ارائه برنامه‌های عملی برای حکومت‌داری به دنبال ایجاد وضعیت مطلوب بودند. اساس روشنفکری بر مبنای ایجاد تحول مثبت بنا نهاده شده است، اما این تحولات در شرایط کشورهای غربی که در خفقان کلیسا قرار داشتند با تحولات کشوری مثل ایران که نقش دین و علما در آن برجسته بود، بسیار متفاوت است، نکته‌ای که حاصل آن روشنفکری بومی نشده و تقلیدی در ایران بود. روشنفکری به معنای اولیه آن جریانی است متأثر از فلسفه روشنگری که مبارزه‌ای فرهنگی و اجتماعی و نقد قدرت و سنت را محور حرکت خود قرار داد (مردیها، ۱۳۸۲: ۸۰).

روشنفکری در ایران معاصر را می‌توان بر اساس ماهیت و چگونگی نگرش به غرب و دین و نیز از منظر ادوار تاریخی به چهار دسته غرب‌گرا، ملی‌گرا، چپ‌گرا و دینی طبقه‌بندی کرد. «گروه غرب‌گرا» عقب‌ماندگی‌های ایران در دوران پس از افول صفویه و برخورد آن با غرب، باعث شکل‌گیری اولین جریان روشنفکری در ایران شد که نه تنها نقاد نبود بلکه حتی فیلسوف هم نبودند. این گروه با الگو قرار دادن غرب در همه زمینه‌ها، مدنی شدن و رشد و پیشرفت را در گرو تبعیت محض از غرب می‌دیدند. با استدلال به این نکته که غرب یک کل تفکیک‌ناپذیر است و با شیفتگی بی‌قید به غرب، تسلیم فرهنگ غربی شده و خواستار فراموشی فرهنگ و سنت ایران بودند. از شخصیت‌های مهم این گروه می‌توان به میرزا ابوالحسن شیرازی، ملکم خان و تقی‌زاده اشاره کرد (امیری، ۱۳۸۳: ۲۳). «گروه چپ‌گرا» حضور طبقه‌ای از ایرانیان در شهرهای قفقاز برای تجارت و یا کارگری زمینه جذب و پذیرش افکار چپ در ایرانیان را ایجاد کرد. البته فعالیت‌های حزبی چپ‌گرایان هم‌زمان با نهضت مشروطه آغاز و با فعالیت آن‌ها در دوره رضاخان ادامه یافت. این افراد

در شرایطی دشوار و نابرابر به سر می‌بردند که با وقوع انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه تزاری که با شعارهای ظلم ستیزانه و عدالت طلبانه همراه بود، جذب تفکرات چپ و مخصوصاً بحث‌های عدالت طلبانه شدند. با پیروزی انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ شهرهای شمالی ایران و روشنفکران چپ‌گرای آن تحت تاثیر این انقلاب قرار گرفتند. حزب توده در ایران نماد اصلی روشنفکری چپ‌گراست که بعد از سقوط رضاخان پهلوی در ۱۳۲۰ شکل گرفت و رشد کرد. ویژگی این گروه طبق اعلام خود تقبیح وابستگی به قدرت‌های خارجی و سردادن شعارهای ملی‌گرایانه و حکومت دموکرات بود (امیری، ۱۳۸۳: ۱۵۱). «گروه ملی‌گرا» از پیش‌قراولان این گروه می‌توان به میرزا آقاخان کرمانی اشاره کرد که احیای ملیت ایرانی را در گرو جدایی از اسلام و پیروی از فرهنگ باستان به ویژه زرتشت می‌دانست (طبری، ۱۳۶۵: ۱۰۰). ویژگی روشنفکران ملی‌گرای چپ‌گرای چون کرمانی، آخوندزاده، طالبوف عدم توجه به دین، دشمنی با آن و احیای جنبه‌های باستانی ایران قبل از اسلام است که دستگاه تبلیغی پهلوی نیز کمک شایانی به رشد این تفکر داشت. جبهه ملی از نمونه‌های اصلی این گروه است که اگرچه در ظاهر تمایلات ناسیونالیستی داشت اما هیچ‌گاه با مظاهر وابستگی و عناصر بیگانگان به مقابله نپرداخت (امیری، ۱۳۸۳: ۱۸۷). «گروه دینی» توجه به دین در ایران پس از تلاش‌های مصلحان دینی مثل جمال‌الدین اسدآبادی شکل گرفت ولی بروز و ظهور زیادی در اجتماع نداشت. این جریان توجه به دین را نه از باب مانعی برای پیشرفت بلکه به مثابه عامل محرک و تاثیرگذار در جهت پویایی جامعه، سرلوحه خود قرار دادند. این جریان با رد نگاه‌های محض غرب‌گرا، ملی‌گرا و چپ‌گرا، با پیش‌فرض عدم تعارض اساسی بین سنت و مدرنیته، به دنبال ارائه الگویی دینی و بازگشت به خویشتن بودند. همچنین این گروه به نقد نگاه‌های سنتی متولیان دین و مذهب نیز پرداختند. در نگاه روشنفکران این گروه مثل بازرگان و شریعتی باید مفاهیم گذشته دین را از منابع اولیه آن بازشناسی و بازسازی کرده و چهره سنتی دین را با آموزه‌های علمی شست‌وشو داد.

بررسی آسیب‌های این جریان در ایران می‌تواند نگاه روشنی از فضای بیمارگونه روشنفکری در ایران ارائه دهد. بررسی اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حوزه روشنفکری در ایران از این دو جهت حائز اهمیت است؛ اولاً ایشان از جمله طلاب و روحانیونی هستند که به فضای موجود در حوزه علمیه اکتفا نکرده و به دنبال حضور و تاثیرگذاری بر جریان نخبگانی و دانشجویی نیز بوده‌اند. ثانیاً ایشان در قبل و بعد از انقلاب ارتباط بسیار زیادی با قشر روشنفکر از جامعه داشتند و نظرات ایشان می‌تواند برای تبیین

روشنفکری در ایران بسیار راهگشا باشد. از این رو با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته درباره آسیب‌شناسی جریان روشنفکری، تاکنون پژوهشی با عنوان «آسیب‌های روشنفکری در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صورت پذیرفته است. روش به کار گرفته شده در پژوهش حاضر روش تحلیل مضمون از روش‌های تحلیل کیفی و به کمک نرم افزار MAXQDA است. سوال اصلی مقاله حاضر این است که «آسیب‌های روشنفکری در ایران در اندیشه مقام معظم رهبری چیست؟»

۱- پیشینه پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته تاکنون مقاله یا کتاب علمی در مورد موضوع پژوهش حاضر صورت پذیرفته است، اما کتاب، پایان‌نامه و مقالاتی با موضوعات نزدیک به آن وجود دارد که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

مقاله «آسیب‌شناسی جریان روشنفکری در ایران معاصر» نوشته کریم رضادوست و همکاران، با هدف آسیب‌شناسی جریان روشنفکری در ایران معاصر انجام شده است و روش تحقیق در این مقاله، نظری و بر رویکردی انتقادی مبتنی است. این رویکرد، بر مطالعه منابع تاریخی-تحلیلی استوار می‌باشد. این مقاله دوره‌های تاریخی معاصر ایران، یعنی آغاز شکل‌گیری اندیشه مشروطه‌خواهی تا انقلاب اسلامی را دربرمی‌گیرد. در این مقاله، جریان روشنفکری در سه بخش: ۱- بنیان‌های فکری، ۲- نهاد‌های روشنفکری، ۳- مواجهه با غرب، بررسی و با انطباق بر چارچوب نظری و ساختار سیاسی-اجتماعی، به آسیب‌شناسی آن پرداخته شده است. نتیجه مقاله، ساخت تپ خاصی از روشنفکری با ویژگی‌ها و خصوصیات نوین شامل: «خردگرایی»، «استقلال فکری»، و «خوشونت‌گریزی» بود. بر این اساس، گفتمان تپ نوین روشنفکری نیز مبتنی بر «سنت-مدرنیته»، خواهد بود.

مقاله «آسیب‌شناسی روش دین‌شناسی روشنفکری دینی»، عبدالحسین خسروپناه به روش دینی‌شناسی و کسب معرفت دینی سه نفر از روشنفکران معاصر پرداخته است؛ مهندس بازرگان، دکتر شریعتی و دکتر سروش. در واقع این مقاله به تبیین و نقد نظرات اشخاص پرداخته است و جریان روشنفکری را بررسی نمی‌کند.

مقاله «جریان روشنفکری و وارونه‌نویسی غرب‌شناسی عالمان شیعه در تاریخ معاصر ایران» نوشته احمد رهدار با هدف بررسی روشنفکری دینی، دین و تیپولوژی روشنفکری (چالش سنت و مدرنیته در قرن ۱۹ ایران) نگارش یافته است. در این مقاله نویسنده ابتدا به مباحث معنایی و اصطلاحی و سپس به سیر تطور مفهومی روشنفکری اشاره کرده و در پی

آن، به بررسی منورالفکری در غرب و ایران و مدعیان آن پرداخته است. در نهایت با اشاره به انواع مختلف روشنفکری، بیان دیدگاه نمونه‌ای از عالمان دینی در این باره را مطرح ساخته است.

پایان نامه «آسیب شناسی دینی بررسی موردی تحجر و روشنفکری (با تاکید بر دیدگاه‌های حضرت امام (ره)»، نوشته علی نورآبادی که ایشان در این پایان نامه سعی دارد تا به سوالاتی چون: تعریف هر کدام از دو آفت تحجر و روشنفکری چیست؟ شاخصه‌ها و ویژگیهای آنها کدام است؟ علل و عوامل تحجر و روشنفکری چیست؟ پیامدهای هر آفت کدام است؟ راه علاج و درمان آفات چیست؟ پاسخ دهد. براساس فرضیه‌های تحقیق آفات روشنفکری از سویی خود معلول آسیب‌هایی چون سوء فهم و سوء برداشت از مفاهیم و آموزه‌های دینی بوده و از سوی دیگر باعث و منشاء آسیب‌مندی‌های دیگر است. تحجر و روشنفکری باعث ناکارآمدی دین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی شده و همچنین باعث التقاط در دین می‌شود. از دیدگاه امام (ره) راه حل مشکل تحجر و روشنفکری غرب‌زده در وهله اول روشنگری و تبیین درست مفاهیم و آموزه‌های دینی است و در مرحله بعد نصیحت کردن، مبارزه و حتی طرد و اخراج افرادی که دارای چنین تفکراتی هستند و باعث این آسیبها می‌گردند، مد نظر قرار می‌گیرد.

۲- ادبیات نظری

۲-۱- معنای لغوی روشنفکر و روشنفکری

لغت روشنفکری، ترجمه واژه فرانسوی «انتلکتوئل» (Intellectuel) یا واژه انگلیسی «انتلکتوئل» (Intellectual) است. ریشه این واژه به کلمه لاتین (Intellegre) بر می‌گردد که به معنای تفکیک کردن میان دو چیز است. معمولاً واژه روشنفکری معنای ضمنی خلاق بودن و نقاد بودن را نیز دربردارد، البته اصطلاح روشنفکر در قرون وسطی به وجود آمد و به تدریج در دانشگاه‌های اروپا گسترش یافت. واژه‌های متنور، متنور العقل، مفکر و مثقف در زبان عربی نیز در مفهوم روشنفکری است. اما تفاوت روشنفکری و روشنگری نیز حایز اهمیت است. واژه روشنگری با معادل انگلیسی (Enlightenment) به معنای روشن شدن و بیداری است. روشنفکری معادل (Intellectual) به معنای عمل و حالت روشن فکر است و روشنفکر کسی است که در امور با نظر باز و متجددانه بنگرد. این واژه فرانسوی نسبتاً جدید، اولین بار در قرن نوزدهم در ادبیات سیاسی به کار گرفته شد (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۹).

تعریف دقیقی از روشنفکر نمی‌توان ارائه داد اما با این اوصاف چند تعریف رایج به این صورت است: از نظر ژولین بندا، روشنفکران را می‌توان دسته کوچکی از فیلسوف‌ها تصور کرد که با استعداد و ویژگی‌های اخلاقی برتر، سازنده وجدان بشیریت به شمار می‌آیند (Julien Benda, 1969: 43). ماکس وبر، روشنفکران را گروهی از مردم می‌داند که به سبب ویژگی‌شان، دسترسی خاصی به دستاوردهای مشخصی و ارزش‌های فرهنگی دارند و به طور اساسی به کار فکری می‌پردازند و نیز خلاق و نقاد هستند (Max Weber, 1976: 56). در تعریف کارل مانهایم به افرادی روشنفکر گفته می‌شود که، تقریباً، بدون طبقه هستند و وابستگی چندانی محکمی به نظام اجتماعی ندارند. روشنفکران مدرن، نه تشکیل‌دهنده یک طبقه هستند و نه جزئی از یک طبقه محسوب می‌شوند. (کارل مانهایم، ۱۳۵۵: ۲۴۰) ادوارد سعید نیز در مورد روشنفکر می‌گوید «روشنفکر حقیقی، انسانی همیشه بیرونی و حاشیه‌ای است که با حفظ یک معیار جهان‌شمول و منحصر به فرد، به عنوان پایه اصلی از روشنفکری دفاع می‌کند و در امور مربوط به مصالح عمومی واکنش نشان می‌دهد» (ادوارد سعید، ۱۳۸۰: ۱۸). میشل فوکو نیز معتقد به دو نوع از روشنفکری است، روشنفکر عام و روشنفکر خاص، روشنفکران عام که مورد انتقاد واقع می‌شوند، صرفاً نگاهی عوامانه به مسائل داشته و به دنبال بیان صریح حقایق و مطالب هستند. روشنفکران خاص، به نظر فوکو، به کار کردن عادت کرده‌اند و این به آن‌ها دانشی مشخص‌تر از مبارزات می‌دهد و با مسائلی خاص و غیر کلی سروکار دارند. در هر صورت امروزه دیگر نقش روشنفکر پیشروی و همگامی با توده‌ها نیست تا حقیقت سرکوب شده را بیان کند، بلکه بر عکس نقش او مبارزه علیه قدرتی است که او را در حوزه دانش و حقیقت، عامل خود می‌کند (فوکو، ۱۳۹۳: ۳۰۰-۳۰۶). آنتونیو گرامشی فیلسوف مارکسیست ایتالیایی معتقد است همه مردم صاحب خرد بوده و همه به نوعی روشنفکر هستند، و در واقع میزان استفاده از فکر و اندیشه در هر کس متفاوت است. او در یک تقسیم‌بندی، روشنفکران را به دو گونه سنتی و ارگانیک تقسیم می‌کند و معتقد است که نوع سنتی به دنبال حفظ هژمونی قدرت و تثبیت جایگاه حکومت بوده و به دنبال مداومت تاریخی هستند. در عین حال روشنفکران ارگانیک، روشنفکران لایه و گروهی خاص هستند که مبنای آن گروه را تبیین می‌کنند و به طبقه خودشان التزام و وابستگی بیشتری دارند، و امکان دارد با افزایش قدرت و ایجاد هژمونی عمومی توسط آن گروه تبدیل به روشنفکران سنتی شوند (گرامشی، ۱۳۵۸: ۵۸-۵۶). کانون جریان‌های روشنفکری در غرب با توجه به انقلاب فرانسه، کشور فرانسه

است و در حقیقت انگلیس و آلمان را نیز می‌توان به عنوان دو کشور موثر در این جریان توصیف کرد اما محوریت با فرانسه و روشنفکران آن کشور بود (پورفرد، ۱۳۹۲: ۱۵ و ۱۶).

۲-۲- معنا و مفهوم روشنفکر در ایران

در ادبیات فارسی واژه «روشنفکر» کلمه‌ای است مرکب از دو واژه «روشن» و «فکر» که ترکیبی وصفی به حساب می‌آید. در این ترکیب وصفی، واژه «روشن» به عنوان وصف و واژه «فکر» به عنوان موصوف به کار رفته است. در لغتنامه دهخدا نیز به نقل از فرهنگ فارسی معین آمده است که روشن‌فکر، صفت مرکب است و معنای (لغوی) آن عبارت است از: «کسی که دارای اندیشه روشن است» (دهخدا، ۱۳۴۶: ۱۷۱).

اصطلاح «روشنفکر» که در اوایل دهه ۱۳۲۰ توسط فرهنگستان جایگزین واژه منورالفکر شد، ترجمه واژگانی بود که در فرهنگ‌های متفاوتی که با ایرانیان ارتباط داشتند بار معنایی متفاوتی داشت. برای مثال انتلکتوئل فرانسوی به واژه دئیسم (Deism) یا خداپرستانی که به وحی و دخالت خداوند در امور روزمره اعتقادی نداشتند نزدیک بود و اینتلجیسیای روسی در معنایی عام‌تر به نخبگانی اطلاق می‌شد که آموزش اروپایی داشتند. در ایران نیز اواخر دهه ۱۳۴۰ روشنفکر به مفهوم روسی آن نزدیک‌تر بود، یعنی کارگزاران رادیکالی که خواهان تغییرات ترقی‌خواهانه بودند. اما پس از آن مفهوم روشنفکر از این نیز عام‌تر شد و به طور کلی به کسانی می‌گفتند که با سیستم آموزشی جدید و مهارت‌های حرفه‌ای ناشی از آن آشنا بودند (شیخ فرشی، ۱۳۸۱: ۵۸ و ۵۹).

دکتر شریعتی ضمن انتقاد از ترجمه انتلکتوئل به روشنفکر در ایران معتقد است که انتلکتوئل اشاره به افرادی است که کار مغزی و فکری می‌کنند. اما روشنفکر ممکن است کار بدنی هم انجام دهد. وی معتقد است روشنفکر یعنی کسی که دارای فکر روشن و باز است، افرادی که محدود و متوقف نیستند، منجمد نمی‌اندیشند، روشن و باز فکر می‌کنند، زمان، موقعیت خود و وضعیت کشور را درک می‌کنند و می‌توانند تحلیل و استدلال کنند (شریعتی، بی‌تا: ۳).

۳- روش‌شناسی پژوهش

روش استفاده شده در این پژوهش تحلیل مضمون از انواع تحلیل‌های کیفی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA است. برای دستیابی به نتیجه مفید در تحقیقات کیفی، لازم است داده‌ها بصورت روشمند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. تحلیل داده‌ها یک مرحله حیاتی از تحقیق کیفی است و مستلزم اقدام اساسی جهت گردآوری داده‌ها و مرتبط

نمودن آن‌ها با مفاهیم انتزاعی سطح بالاتر می‌باشد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. برخلاف روش‌های کیفی مثل تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا، نظریه داده‌بنیاد و ... تحلیل مضمون به چارچوبی نظری که از قبل وجود داشته باشد وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد. (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۱-۱۵۸)

۳-۱- شناسایی مضمون

هر متن یا داده دارای ایده‌ها و مفاهیمی است که در صورت فهم درست آن‌ها می‌توان ساختار و چارچوب اصلی متن را بدست آورد. «مضمون یک طرح و اصل عینی نظام‌مند است که در حول و حوش آن جهان نویسنده تمایل دارد خود را سازمان داده و بسط پیدا کند. اساس در آن، همان ارتباطات پنهانی است، آن هویت پنهانی و خفی که باید از پوشش ساختاری که آن را دربر گرفته است بیرون کشید و آشکار کرد. مضامین اصلی یک اثر، معماری پنهان آن را به وجود می‌آورند، و باید بتوانند کلید نظام آن را به ما بدهند. تکرار و از سرگیری، خبر از دغدغه‌های ذهنی ناخودآگاهی نویسنده می‌دهد» (بابک‌معین، ۱۳۹۴: ۸۶).

۳-۲- روش‌های شناخت مضامین

با توجه به تعریفی که از مضمون ارائه شد، روشن گشت که برخی از مضامین به صورت آشکار در متن وجود دارند و برخی را با مذاقه در متون باید پیدا کرد. ولی سوال اصلی این است که مضمون چه ویژگی‌هایی دارد و از کجا باید آن را شناسایی کرد؟ با اینکه در تحقیقات کیفی نمی‌توان پاسخ روشن و صریحی داد ولی می‌توان ویژگی‌های را نام برد که راهنمای مناسبی برای ما باشند. در شناخت مضمون توجه به برخی ویژگی‌های موجود در متن می‌تواند به شناخت مضامین یاری رساند که برخی از آن‌ها عبارتند از: توجه به کلمات تکراری، توجه به کلمات مکنون، توجه به کلمات کلیدی، مقایسه و هم‌سنجی، جست‌وجوی اطلاعات مفقود (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

۳-۳- عناوین و طبقه‌بندی مضامین

طبقه‌بندی‌های متفاوتی از مضامین ارائه شده است، مثلاً بر اساس زمان شناخت مضمون، ماهیت مضمون در متن، سلسله مراتب مضمون در قالب مضامین، جایگاه مضمون در شبکه